

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال یازدهم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۷

رویکردشناسی شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی با گرایش به آنتولوژی

سیدتقی واردی^۱

چکیده

در حالی که عصر حاضر، عصر اقبال به مهدویت و ظهور منجی امم است و مهدی باوران عالم نیاز به اطلاعات و موضوعات مهدوی دارند، مع الاسف به خاطر فقدان مدیریت محتوایی اطلاعات، دست یابی به اطلاعات و موضوعات دلخواه در این حوزه با چالش و سختی‌هایی روبه‌رو است. این معضل قابل توجه، می‌تواند شبکه‌ای مفهومی و هوشمند برای سازماندهی و مدیریت تمام اطلاعات و موضوعات مهدوی طراحی و پیاده‌سازی گردد. برای چنین منظوری، برخی گمانه‌ها بر این است که رده‌بندی، یا سرعنوان‌های موضوعی و یا اصطلاح‌نامه ظرفیت شبکه‌سازی این چنینی را داشته باشند. ولی با بررسی هر یک از آنها و سنجش مقدراتشان به دست می‌آید ظرفیتشان نسبت به این امر مهم محدود و کم‌بینه است. گرچه اصطلاح‌نامه نسبت به دو مورد دیگر وضعیت مناسب‌تری دارد، ولی در برابر برخی از مطالبات و مقتضیات چنین شبکه‌ای عظیم ناتوان و منفعل است. در این بین، رویکرد آنتولوژی (هستی‌شناسی) رویکرد پیشرفته‌تری است و علاوه بر آن که معایب اصطلاح‌نامه را ندارد، ظرفیت بالایی برای برقراری انواع رابطه‌ها دارد و به کاربر امکان می‌دهد با برقراری رابطه‌ها و تشخیص نوع آنها استنتاج تازه‌ای

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (t.varedi@isca.ac.ir).

از داده‌ها داشته باشد. هستی‌شناسی نیاز به ابزار فنی و الکترونیکی ویژه‌ای دارد که قابلیت اشتراک‌پذیری یکی از ملزومات آن به شمار می‌آید. برای این منظور نرم‌افزارهایی طراحی و پیاده‌سازی شدند، که بهترین و کامل‌ترین آنها نرم‌افزار پروتج است. در این پژوهش، بعد از امکان‌سنجی رویکردهای مدیریت اطلاعات، رویکرد آنتولوژی به عنوان رویکردی نوین و کارساز معرفی و نحوه پیاده‌سازی آن در نرم‌افزار پروتج مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

شبکه مفهومی، معارف مهدوی، هستی‌شناسی، رده‌بندی، سرعنوان‌های موضوعی، اصطلاح‌نامه، نمایه‌سازی موضوعی.

مقدمه

از زمانی که قرآن کریم بر قلب رسول خدا ﷺ نازل و مردم جزیره‌العرب با پدیده تازه‌ای به نام قرآن و اسلام رو به رو شدند، بحث مهدویت و ظهور منجی عالم بشریت در آخرالزمان نیز در فرهنگ اسلامی با آیاتی چون «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و احادیثی مثل «لَوْلَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ» جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و از آن هنگام تاکنون در گفتار، نوشتار، رفتار و کردار مسلمانان (و حتی غیرمسلمانان) نمود جدی داشته است و در این بین، سهم نوشتار بیش از بخش‌های دیگر بوده و آثار مثبت و منفی فراوانی بر جای گذاشته است.

در این رهگذر، آثار قلمی و نوشته‌های بی‌شماری (اعم از موسوعه‌ها، تک‌نگاشت‌ها و جزء‌نگاشت‌ها) تدوین و تألیف یافته‌اند و از آنها تعدادی باقی و به دست آیندگان رسیده ولی تعداد بی‌شمار دیگری با غفلت ناهلان و یا عداوت دشمنان از بین رفت و نام و اثری از آنها بر جای نمانده و اگر نامی هم مانده باشد، خبری از خود اثر نیست.

هم‌اینک، که عصر فناوری اطلاعات و تولید برخط معلومات است، مباحث مربوط به مهدویت بسان سایر مباحث اعتقادی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای یافته و هر روز صدها کتاب، پایان‌نامه، مقاله و سایر نوشته‌ها در قالب‌های دیگر درباره حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تحریر و در فضاهای مجازی و یا منشورات فیزیکی منتشر می‌گردد.

تولید و نشر روزافزون اطلاعات، در نگاه اول مثبت و خوش‌بینانه است، ولی با تأمل بیشتر و در مقام بازایی و استفاده، دانسته می‌شود که چنین فرایندی کاربران را با چالش

بزرگ به نام درهم ریختگی و بی‌نظمی اطلاعات مواجه می‌کند. زیرا فزونی و انباشتگی اطلاعات در محیط‌های الکترونیکی و فضاهاى مجازى بدون کنترل و مهار آنها، موجب سردرگمی و عدم دست‌یابی جستجوگران به مطالب دلخواه می‌گردد.

متأسفانه درباره مدیریت محتوایی معارف مهدوی (آن مقدار اطلاعی که داریم) کار مهمی به عمل نیامده و جدیتی از سوی نهادهای مسئول مشاهده نمی‌شود. در حالی که موضوع دکترین مهدویت و نجات‌بخشی ملت‌های محروم و مستضعف جهان توسط قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام در حال گسترش بین ملت‌ها است و به عنوان راهکار عملی برای برون‌رفت از حکومت ظالمان و جائران میهنی و بین‌المللی بین بسیاری از مردم دنیا، به ویژه مسلمانان عالم مورد توجه قرار گرفته است.

علاوه بر این، مباحث مهدویت، مباحث بین‌رشته‌ای و دارای دامنه‌های متعدد است و برخی از رشته‌ها یا دامنه‌های علوم اسلامی و علوم انسانی بخشی از آن را متکفل شده‌اند و این موجب پراکندگی اطلاعات شده و چالش دیگری برای پژوهشگران و جست‌وجوگران اطلاعات به وجود می‌آورد.

بعید است با توجه به موارد یاد شده و موارد دیگری که در این جا ذکر نشده، کسی در سازماندهی اطلاعات و از آن مهم‌تر، ایجاد شبکه مفهومی برخط برای تنظیم اطلاعات موضوع مهدویت تردید و دودلی داشته و اذعان به ضرورت آن نداشته باشد.

اما چالش اصلی، در چگونگی ایجاد چنین شبکه مفهومی است. با توجه به این‌که نمونه جامعی برای آن هنوز مطرح و طراحی نگردیده است، بی‌تردید پیشنهاد هر طرح تازه‌ای استعداد نقد و حتی نفی را دارد.

با این وجود، هر طرح تازه‌ای نیاز به مقتضیات و مقدماتی دارد، که باید به صورت اصولی و مطابق با استانداردهای جهانی به عنوان یک طرح ملی و یا بین‌المللی با مشارکت نهادها و سازمان‌های مسئول و همکاری متخصصان رشته‌های مربوط (با تخصص‌های متنوع) مورد اهتمام جدی قرار گیرد. شاید در ابتدای امر به نظر آید رویکردهای رایج سازماندهی اطلاعات مانند رده‌بندی، سرعنوان‌های موضوعی فارسی و اصطلاح‌نامه تخصصی در این خصوص راه‌گشا باشند، ولی با بررسی و ظرفیت‌سنجی آنها دانسته می‌شود که هیچ‌یک از آنها توان تحمل چنین شبکه محتوایی را ندارند. گرچه اصطلاح‌نامه (تزاروس) می‌تواند در این راه مددکار بوده و زمینه مناسبی برای چنین

شبکه‌ای فراهم کند، ولی در ایجاد یک شبکه بزرگ و درهم تنیده‌ای مانند شبکه مفهومی معارف مهدوی ناکافی است. اما در بین رویکردهای ساختاردهی اطلاعات، رویکرد دیگری است که موسوم به هستی‌شناسی (آنتولوژی) است که برگرفته از هستی‌شناسی فلسفه متافیزیک است و در علم اطلاعات نیز جایگاه ویژه‌ای برای خود پیدا نموده است. با تحقیق و بررسی جوانب مختلف آن، می‌توان اطمینان پیدا کرد که راه حل مناسبی برای ایجاد شبکه مفهومی معارف مهدوی باشد. زیرا ضعف‌هایی که در اصطلاح‌نامه و از آن بیشتر در سرعنوان‌های موضوعی فارسی ورده‌بندی مشاهده می‌شود، در هستی‌شناسی مشاهده نمی‌گردد و بالعکس محسناتی که در هستی‌شناسی وجود دارد، در آنها دیده نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر در هستی‌شناسی رابطه بین مدخل‌ها به درستی برقرار گردد، هر رابطه‌ای منتج به نتیجه تازه‌ای می‌شود. علاوه بر آن، مستندسازی محتوایی مدخل‌های هستی‌شناسی از طریق بازنمایی موضوعی اطلاعات، نیز می‌تواند بازبایی موضوعات مهدوی را دقیق‌تر و سودمندتر نماید.

از این طریق، امکان ایجاد یک شبکه مفهومی هوشمند دور از دسترس نیست. در این راه، لازم است از توان‌های نرم‌افزاری و شبکه‌ای سیستم‌های ماشینی نیز بهره‌گرفت. نرم‌افزار پروتج (Portege) امکان می‌دهد شبکه مفهومی معارف مهدوی از طریق هستی‌شناسی ایجاد گردد.

در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای تلاش خواهد شد ساز و کار علمی ایجاد شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی در دو بخش به شرح ذیل ترسیم و تحلیل نموده و به عنوان یک طرح پژوهشی قابل اجرا، به مسئولان و متولیان مباحث تخصصی مهدوی جهت بررسی و اقدام عملی ارائه کرد:

بخش اول: رویکردهای بنیادی ساختاردهی اطلاعات؛

بخش دوم: چگونگی ایجاد شبکه مفهومی تخصصی مهدویت.

بخش اول: رویکردهای بنیادی ساختاردهی اطلاعات

تاکنون برای ساختاردهی اطلاعات، رویکردهای بنیادی متعددی توسط دانشمندان علم اطلاعات مطرح و حتی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، که معروف‌ترین و پُرکاربردترین آنها رده‌بندی، سرعنوان‌های موضوعی فارسی و اصطلاح‌نامه (تزاروس) است و در این سال‌های اخیر بحث هستی‌شناسی (آنتولوژی) مطرح و به عنوان رویکردی

کامل‌تری نسبت به سایر رویکردهای ساختاردهی اطلاعات معرفی شده است. برای اطلاع از ظرفیت و وزانت رویکردهای فوق‌الذکر و قابلیت آنها برای تحمل یک شبکه مفهومی در خصوص معارف و موضوعات مهدوی، لازم است در آغاز شناختی مختصر از آنها داشته و سپس در ترازوی نقد و بررسی منصفانه قرار گیرند، تا نقطه‌های ضعف‌ها و قوت‌شان روشن و در تصمیم‌گیری مسئولان امر مورد توجه قرار گیرند.

رده‌بندی (Classification)

رده‌بندی عبارت است از: «تنظیم منطقی اشیاء برحسب درجه شباهت» و به گفته اریک هانتز «به معنای کنارهم قراردادن اشیاء براساس خواص یا ویژگی‌های مشترک آنها است. این مطلب، خودبخود جدا کردن و کنار گذاشتن اشیاء ناهماهنگ را نیز شامل می‌شود.» (مارسلا، ۱۳۸۶: ۲۰)

به گفته وی: «فن رده‌بندی برای فهرست‌نویسی منابع کتابخانه‌ها به وجود آمده و در نتیجه نخستین کاربرد مهم آن در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، سازماندهی منظم منابع موجود براساس موضوع است.» (مارسلا، ۱۳۸۶: ۲۲)

رده‌بندی دیرینه درازی بین انسان‌ها دارد و به گفته تیلور، به تئوری مقوله‌های ارسطویی برمی‌گردد. وی در این باره گفت:

نظام‌های رده‌بندی امروزی ریشه در تئوری مقوله‌های ارسطو دارد. او این ایده را مطرح کرد که تمام چیزها براساس عامل مشترکی که دارند در مقوله قرار می‌گیرند. تئوری ارسطو یا همان «تئوری باستانی مقوله‌ها» تا اواسط سده ۱۹۰۰ بی‌تغییر ماند. به این دلیل که فکرمی‌شد که مقوله‌ها به خوبی شناخته شده و درک شده‌اند. (تیلور، ۱۳۸۱: ۲۴۳)

رده‌بندی شیوه‌های مختلفی دارد، که معروف‌ترین آنها سه شیوه دیویی ده دهی، کتابخانه کنگره آمریکا و کولون (یا همان رانگاناتان) است، که در کتابخانه‌های کشورهای چون آمریکا، انگلستان، هند و کشورهای انگلیس زبان رایج است. علاوه بر آن، بر بسیاری از کتابخانه‌های مهم دنیا حاکم است.

لازم به ذکر است، در سال ۱۸۷۶ میلادی ملویل دیویی با الهام از رده‌بندی‌های گذشته طرحی نو ریخت و رده‌بندی ده دهی را به وجود آورد که دانایی انسان را به ده رده و هر رده را به ده بخش و هر بخش را به ده بخش فرعی تقسیم کرد و پایه هزار موضوع را بنا

نهاد. (ابرامی، ۱۳۷۹: ۱۴۶) اما در آغاز قرن بیستم میلادی کتابخانه کنگره آمریکا به سبب حجم روزافزون منابع اطلاعاتی خود ناگزیر به ایجاد نظامی نوین شده و طرح جدیدی را پایه‌گذاری کرد که به رده‌بندی کنگره معروف شده است. (ابرامی، ۱۳۷۹: ۱۴۹) در رده‌بندی کنگره، دانش بشری به هیجده شاخه اصلی تقسیم شد، که هر شاخه از علوم، تقسیمات فرعی تری را می‌پذیرد. اما از سال ۱۹۲۴ میلادی ریاضی دانی پُرکار به نام «شیالی رامام ریتا رانگاناتان» از کشور هند وارد شغل کتابداری شد و با مواجه شدن با اشکالات و ابهامات دوره‌بندی فوق‌الذکر، اقدام به سیستم جدیدی در رده‌بندی نمود و برای آن اصول و قوانینی را بنیان نهاد که همه متخصصان رشته کتابداری در برابری سر تعظیم فرود آوردند و از او به بزرگی یاد کردند. (برگرفته از: مقدم، ۱۳۷۳: ۹۴) آن چه طرح رانگاناتان را از طرح‌های دیگر رده‌بندی متمایز می‌کند، شیوه تحلیلی- ترکیبی آن در موضوعات است.

به هر روی، رده‌بندی در کنار منافع بی شماری که برای تنظیم محتوایی منابع دارد، با مشکلاتی رو به رو است، که در کتاب *آینده رده‌بندی* (مارسلا، ۱۳۸۶: ۵۱) به برخی از آنها اشاره شده است. یکی از مشکلات جدی آن، رده‌بندی منابعی است که بین رشته‌ای و یا بین موضوعی است. اگر در یک رده قرار گیرد، در رده دیگر جایش خالی است. به همین جهت ریچارد دوکینز گفت:

در دنیای اطلاعات هیچ‌گونه نظام رده‌بندی واحدی که بدون عیب و نقص به عنوان رده‌بندی صحیح مورد پذیرش قرار گیرد، وجود ندارد. (مارسلا، ۱۳۸۶: ۵۳)

در ایجاد شبکه مفهومی موضوعات مهدوی، بی تردید می‌توان از طریق رده‌بندی، رده‌های اصلی اشیاء را شناخت و آنها را در جایگاه خود قرار داد، ولی نمی‌توان انتظار داشت به عنوان ابزاری کارا در ایجاد ارتباط بین اشیاء مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال، واژه «سفیانی» در اصطلاح‌نامه معارف مهدوی در رده «منحرفان مهدویت» قرار دارد و از این جهت بین آنها رابطه اعم و اخص برقرار است، ولی نسبت به روابط دیگر این واژه با واژه‌های دیگر ساکت است. در حالی که سفیانی با واژه‌ها و یا اصطلاحات دیگری چون: یمانی، فتنه‌های قبل از ظهور، نشانه‌های حتمی ظهور و امثال ذلک مرتبط است و این ارتباط در نظام رده‌بندی دیده نمی‌شود.

بدین جهت رده‌بندی، در ایجاد چنین شبکه‌ای هوشمند و گسترده کافی نبوده و

توصیه نمی‌گردد و باید به سراغ مکانیسم دیگری رفت.

سرعنوان‌های موضوعی (Subject headings)

مجموعه اصطلاحاتی است که از سوی کتابخانه ملی ایران در سال ۱۳۴۸ تدوین شده تا در نمایه‌سازی مقالات نشریات و فهرستگان کتاب‌های چاپ شده در ایران، به کار برده شود. این مجموعه از کارابزارهای اصلی فهرست‌نویسی تحلیلی و تعیین موضوع منابع به شمار می‌آید.

هرمدخل سرعنوان‌های موضوعی، شامل این موارد است: موضوع اصلی، تقسیم جغرافیایی، معادل موضوع به انگلیسی، شماره رده‌بندی دیویی و یادداشت دامنه موضوعی. (برگرفته از ویکی‌پدیا)

بدین منظور، فهرست سرعنوان‌های موضوعی فارسی به منزله ابزاری استاندارد و ملی جهت بازنمایی موضوعی کتاب‌های فارسی از سوی کتابخانه ملی ایران و سایر کتابخانه‌ها در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. (شریف، ۱۳۹۳: ۴۷)

به عبارت دیگر، سرعنوان‌های موضوعی عبارت است از:

مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاح‌ها که براساس اصول و ساختار خاصی برای بیان و ارائه موضوع یا محتوای کتاب یا سایر منابع تهیه و تنظیم شده‌اند. (پورا احمد، ۱۳۸۷: ۴۸)

سرعنوان‌های موضوعی نیز به مانند رده‌بندی، در فهرست‌نویسی منابع، از جمله کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های کتابخانه‌ها کاربرد دارند.

این رویکرد، نخستین بار توسط انجمن کتابداران آمریکا در سال ۱۸۸۵ میلادی مورد توجه و تجربه قرار گرفت. این انجمن، فهرستی از سرعنوان‌های موضوعی منتشر کرد، که به طور مرتب توسط کتابخانه‌ها و فهرست‌نویسان استفاده می‌شد. (پورا احمد، ۱۳۸۷: ۶۶) از آن پس مورد ویرایش‌های متعددی قرار گرفت.

سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره نه تنها در آمریکا بلکه در بیشتر کتابخانه‌های انگلیسی زبان رواج پیدا کرده است. کشورهای دیگر چون ایران نیز از آن به عنوان الگو استفاده می‌کنند و سرعنوان‌های خود را براساس سبک و روش سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره منتشر ساخته‌اند. (پورا احمد، ۱۳۸۷: ۶۶)

اگر بخواهیم برای تشکیل شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی از سرعنوان‌های موضوعی استفاده کنیم، با دو چالش بزرگ روبه‌رو می‌گردیم: نخست این‌که توان ایجاد شبکه به هم پیوسته (با ارتباط تودرتو) را ندارد و دوم این‌که از اصول ساختاردهی اطلاعات، که عبارت است از اصطلاح‌نامه استفاده نمی‌کند؛ زیرا از انواع رابطه‌های معنایی اطلاعات، تنها رابطه هم‌ارزی دارا است و از رابطه‌های اعم و اخص و وابسته در آن گزارش نمی‌گردد. به عنوان مثال، در موضوع مهدویت اصطلاحات و مترادفات ذیل را مرتب نموده است:

- مهدویت (mahdaviat)؛

- امام زمان؛

- ظهور؛

- علائم ظهور؛

- غیبت؛

- متمهدی؛

- مهدی موعود؛

- انتظار (waiting)؛

- انتظار (اسلام)؛

- انتظار (شیعه)؛

- ظهور.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اصطلاح مهدویت (mahdaviat) را با امام زمان، ظهور، علائم ظهور، غیبت، متمهدی و مهدی موعود مترادف نموده است. هم‌چنین اصطلاح انتظار (waiting) را مترادف انتظار (اسلام)، انتظار (شیعه)، ظهور، غیبت، مهدی موعود قرار داده است. علاوه بر این‌که بسیاری از این مترادف‌ها صحیح نیست، اشکال اصلی آن است که ارتباط گسترده اصطلاح مهدویت با اصطلاحات و واژگان مرتبط در آن دیده نشده است. زیرا اولاً مشخص نیست که این اصطلاحات با یکدیگر چه نوع رابطه‌ای دارند؟ آیا تنها رابطه ترادف بین‌شان برقرار است، یا رابطه اعم و اخص نیز بینشان وجود دارد؟ ثانیاً مهدویت با بسیاری از اصطلاحات دیگر مرتبط است. مانند: امامت، ولایت، آخرالزمان، حکومت واحد جهانی، رجعت، غیبت صغری، غیبت

کبری و...، که توان برقراری چنین رابطه‌هایی در این سیستم وجود ندارد. بنابراین، از این رویکرد ساختاردهی اطلاعات باید غمض عین نمود و به سراغ رویکرد بهتری رفت. به خاطر همین ضعف‌های ساختاردهی سرعنوان‌های موضوعی است، که اریک هانتر، سرعنوان‌های موضوعی کنگره را که الگوی اصلی سرعنوان‌های موضوعی فارسی است، به علت عدم تبعیت از اصطلاح‌نامه (تزاروس) مورد نقد قرار داد و گفت:

عناوین موضوعی به کار رفته در سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره فهرستی از عناوینی است که می‌کوشد روابط میان واژگان را نشان دهد و برای کمک به انتخاب عناوین موضوعی، ابداع شده، اما این کار به دلیل فقدان اصول رده‌بندی زیربنایی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. (مارسلا، ۱۳۸۶: ۳۰)

وی در پاراگراف دیگری افزود:

اصل موضوع این است که فهرست سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره یک اصطلاح‌نامه نیست. در حال حاضر، ایالات متحده آمریکا فقط اندکی ارزش رده‌بندی در بازیابی موضوعی را درک می‌کند. (مارسلا، ۱۳۸۶: ۳۰)

پس لازم است گفتار درباره سرعنوان‌های موضوعی را پایان داده و به دانشی که دربر دارنده ساختاردهی منطقی و معنایی علوم است، سخن باز کنیم و آن عبارت است از اصطلاح‌نامه.

اصطلاح‌نامه (Thesaurus)

اصطلاح‌نامه بازنمودی از دانش بوده که روابط بین واژه‌هایی که نشان‌دهنده فرضیاتی درباره ماهیت یک موضوع یا رشته هستند را نشان می‌دهد (هینز، ۱۳۸۵: ص ۱۳۹).

یک واژه ممکن است با دیگر واژه‌ها که به وسیله روابط تعریف شده‌اند، ارتباط داشته باشد. ارتباط بین آنها از طریق علایمی نشان داده می‌شود و آنها عبارتند از:

بج = اصطلاح مرجح، که در زبان لاتین با USE نشان داده می‌شود، مفهومش آن است اصطلاح بعد از آن، مترادف یا شبه مترادف مدخل بوده، ولی نامرجح می‌باشد.

بک = اصطلاح غیرمرجح، که در زبان لاتین با USE FOR نشان داده می‌شود، مفهومش آن است اصطلاح بعد از آن، اصطلاح مرجح است.

اع = اصطلاح اعم، که در زبان لاتین با BT نشان داده می‌شود، مفهومش آن است که اصطلاح پس از این علامت اختصاری، مفهومی با بار معنایی وسیع‌تری را نشان می‌دهد.

ا.خ = اصطلاح اخص، که در زبان لاتین با NT نشان داده می‌شود، مفهومی است که اصطلاح پس از این علامت اختصاری، مفهومی با بار معنایی محدودتر را نشان می‌دهد.

ا.و = اصطلاح وابسته (مرتبط)، که در زبان لاتین با RT نشان داده می‌شود، مفهومی است که اصطلاح بعد از آن با اصطلاح مدخل همبستگی دارد ولی مترادف، شبه مترادف، اعم یا اخص نیست.

ا.ر = اصطلاح رأس، که در زبان لاتین با TT آورده می‌شود، مفهومی است که اصطلاح بعد از این علامت، نام عام‌ترین رده‌ای است که اصطلاح مورد نظر به آن تعلق دارد.

ی.د = یادداشت دامنه، که در زبان لاتین با SN آورده می‌شود، یادداشتی است که پس از یک اصطلاح می‌آید و معنای خاص آن را در یک زبان نمایه‌ای روشن می‌سازد. (ن.ک: آوستین، ۱۳۶۵: ۹؛ هینز، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

اگر بخواهیم درک روشنی از روابط بین اصطلاحات در نظام اصطلاح‌نامه‌ای داشته باشیم، لازم است چنین روابطی را بر روی واژه‌ای از واژگان معارف مهدوی پیاده نموده تا بتوان آن برای نظم بخشی اصطلاحات این حوزه را مورد سنجش و قضاوت قرار دهیم. به عنوان نمونه، در بین اصطلاحات معارف مهدوی، اصطلاح «استنصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» را انتخاب و روابط سایر اصطلاحات مربوط به آن را به شرح ذیل ترسیم می‌کنیم:

- استنصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

- بیج: استمداد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

- یاری خواهی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

- ا.ع: افعال امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور؛

- ا.خ: استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از خدا؛

- استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم؛

- ا.و: پناهندگی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به کعبه؛

- مراسم آغاز ظهور.

در این بلوک واژه، دو اصطلاح «استمداد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف» و «یاری خواهی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف» از

اصطلاحات غیرمرجح هستند. یعنی اصطلاح «استنصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» گرچه مترادف با آن دو است، ولی نسبت به آنها ترجیح دارد و بدین جهت به جای آنها قرار می‌گیرد. اما هنگامی که در نظام الفبایی نوبت به این دو اصطلاح رسد، آنها با علامت «بک» به این اصطلاح ارجاع داده می‌شوند. مثلاً: یاری خواهی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بک: استنصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

اما اصطلاح عام واژه مورد نظر، ممکن است برای اصطلاحی تنها یک عام باشد، همان طوری که در این بلوک واژه یکی است. ولی ممکن است در بلوک واژه‌های دیگر چند اصطلاح عام برای آن وجود داشته باشند. به خاطر این که اصطلاح مورد نظر دارای چند سطح سلسله مراتبی بوده و آنها ممکن است به یک رأس سلسله مراتبی و یا چند رأس سلسله مراتبی منتهی گردند.

اما اصطلاح خاص نیز ممکن است برای یک اصطلاح متعدد باشد. در این بلوک واژه دو اصطلاح «استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از خدا» و «استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم»، اصطلاحاتی هستند که در عرض هم قرار دارند. اما اگر اصطلاح خاص خودش اخص داشته باشد، در عرض یکدیگر قرار نمی‌گیرند. بلکه همان اعم و اخص بین آنها نیز قائم می‌گردد. مثلاً اگر اصطلاح «استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم» خودش دو اخص داشته باشد: یکی «استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم مکه» و دیگری «استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم کوفه»، در این صورت این دو اخص در زیر اصطلاح «استنصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» به عنوان اخص وی قرار نمی‌گیرند. بلکه در ردیف اصطلاحات اخص «استنصار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم» واقع می‌شوند.

اما اصطلاح رأس، عام‌ترین رده‌ای است که این اصطلاح در زیر مجموعه آن قرار می‌گیرد و در اصطلاح «استنصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، اصطلاح رأس آن «افعال مهدوی» می‌باشد.

اما علامت دیگر؛ یعنی یادداشت دامنه، در این بلوک واژه نیامده است و علتش آن است اصطلاح مورد نظر ابهام و اجمالی ندارد تا نیازی به یادداشت دامنه باشد.

به هر روی، اصطلاح نامه دانشی بنیادین در مدیریت اطلاعات است و اگر در هر علم و حوزه معرفتی به درستی انجام یابد، علاوه بر ساختاردهی کلی آن علم و حوزه معرفتی و تعیین جایگاه هر اصطلاح در سلسله مراتب آنها، می‌تواند پایه و اساس مدیریت

اطلاعات از طریق بازنمایی و نمایه‌سازی باشد.

با این نگاه، می‌توان در ایجاد شبکه مفهومی معارف مهدوی طرح نو انداخت و چشم‌انداز مثبتی را به تصویر کشید.

به این معنا، تمام اطلاعات و موضوعات معارف مهدوی را از قبل شناسایی و اصطلاح‌گزینی نمود و با توجه به این‌که معارف مهدوی یک دانش بین‌رشته‌ای است، رشته‌های مربوط را تفکیک و سپس روابط بین اصطلاحات هر بخش را کشف و در قالب اصطلاح‌نامه تنظیم و دسته‌بندی کرد و جایگاه هر اصطلاح را در ساختار سلسله‌مراتبی معارف مهدوی نشان داد. آن‌گاه، در مرحله بازنمایی و نمایه‌سازی موضوعی از همان اصطلاحات کنترل شده استفاده و ذخیره‌سازی کرد و در هنگام جستجو با همان اصطلاح نمایه شده، بازیابی نمود.

تجربه‌ای ناتمام

در سال ۱۳۹۳، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی اقدام به تدوین اصطلاح‌نامه‌ای در حوزه معارف مهدوی نمود و آن را در سامانه رسمی خود (تحت وب) بارگذاری و در دسترس همگان قرار داد.

این عمل ستودنی و مشکل‌گشای پژوهشکده مزبور در آن تاریخ بود و نشان داد که پژوهشگران متخصص در هر علمی اگر نگرش مدیریت اطلاعاتی داشته و از دانش اصطلاح‌نامه‌نویسی بهره‌مند و از جهت مالی پشتیبانی گردند، می‌توانند کارهای برجسته‌ای را به انجام رسانند و به جای پژوهش‌های موازی و کم‌مخاطب، به کارهای جدی و بنیادی پردازند.

ولی به نظر نگارنده، این کار از کمبودهایی رنج می‌برد و در حد و قواره اصطلاح‌نامه کامل و جامع حوزه معارف مهدوی نیست. بایسته است همت بیشتری برای تکمیل و رفع کاستی‌های آن به عمل آید و به عنوان یک اصطلاح‌نامه جامع مطابق با استانداردهای بین‌المللی به مهدی‌پژوهان و مهدی‌باوران عالم عرضه گردد.

در این مجال، به برخی از کاستی‌های اصطلاح‌نامه موجود اشاره می‌گردد:

۱. گرایش اصلی در تدوین اصطلاح‌نامه فوق‌الذکر بر مباحث کلامی بوده و بدین جهت در ساختار اصلی آن، موارد ذیل به عنوان اصطلاح رأس تعیین شدند: اثبات مهدویت / ازمنه مهدوی / افعال الهی مهدوی / افعال مهدوی معصومان / اماکن مهدوی / تکالیف

مهدویت / دعا‌های مهدوی / سخنان مهدوی / شناخت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف / منجی‌گرایی / وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف / یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

این دسته‌بندی، علاوه بر آن که همه معارف مهدوی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد، برخی در برخی دیگر تداخل دارند و تفکیک آنها از یکدیگر مشکل است. مثلاً اصطلاح «افعال الهی مهدوی» در اصطلاحات متعددی چون «ازمنه مهدوی»، «اماکن مهدوی»، «دعا‌های مهدوی» و «سخنان مهدوی» به نحوی حضور دارد و همه آنها در ضمن افعال و کردار آن حضرت مورد بحث قرار می‌گیرند.

افزون بر آن، عنوان اصطلاح‌نامه، عرصه‌های دیگری چون: تاریخ، تفسیر، فقه، جامعه‌شناسی و... را نیز در بر می‌گیرد.

بدین لحاظ، بهتر بود «اصطلاحات رأس» اصطلاح‌نامه معارف مهدوی بدین سان قرار گیرد:

- اخلاقی و تربیتی؛
- اعتقادی و کلامی؛
- تاریخی و رجالی؛
- سیاسی و اجتماعی؛
- فقهی و حقوقی.

سپس تمامی اصطلاحات مربوط به این حوزه، در زیر مجموعه چند اصطلاح راس گفته شده قرار گیرند.

از پیش‌همارایی‌های نامأنوس استفاده شده است

بحث پیش‌همارایی واژگان برای معرفی یک اصطلاح شناخته شده در علم، یکی از دغدغه‌های جدی متخصصان و تدوین‌کنندگان اصطلاح‌نامه است و تصمیم درباره مقدار و چگونگی پیش‌همارایی واژگان در بسیار از اوقات مورد اتفاق آنان نیست. در کتاب *راهنمای تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه یک‌زبانه* به دشواری پیش‌همارایی واژگان اشاره و راه‌حل آن را بدین‌گونه بیان کرد:

اتخاذ شیوه‌ای ثابت در مورد اصطلاحات مرکب، یکی از دشوارترین قلمروها در زمینه نمایه‌سازی موضوعی است. قاعده کلی آن است که اصطلاحات، حتی‌الامکان معرّف مفاهیم ساده یا منحصر به فرد باشند و اصطلاحات مرکب به

عناصر ساده تر تجزیه شوند، مگر در مواردی که احتمال انحراف در درک مطلب پیش می آید. (اوستین، ۱۳۶۵: ۲۷)

با این نگاه، در اصطلاح نامه معارف مهدوی مشاهده می گردد گاهی این قاعده مراعات نشده و اصطلاحاتی تدوین شده اند که می توانستند به صورت مفرد و یا با گره کمتر انتخاب شوند. مانند اصطلاحات: جداسازی اهل حق از اهل باطل در عصر ظهور، جوان بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، مدعیان دینداری در عصر ظهور، مدعی دروغین وکالت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرگ علی بن محمد سمی، معرفی جانشین توسط امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف، همراهی انگشتر سلیمان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و...

در حالی که هریک از آنها می توانند به دو یا چند اصطلاح به شرح ذیل تجزیه و بین آنها هنگام نمایه سازی با استفاده از حروف ربطی، پیوند برقرار کرد:

"جداسازی اهل حق از اهل باطل در عصر ظهور" -- "جداسازی + اهل حق + اهل باطل + عصر ظهور"

"جوان بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور" -- "جوانی + امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف + عصر ظهور"

"مدعیان دینداری در عصر ظهور" -- "مدعیان دینداری + عصر ظهور"
"مدعی دروغین وکالت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف" -- "مدعی دروغین + وکالت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف"

"مرگ علی بن محمد سمی" -- "مرگ + علی بن محمد سمی"
"معرفی جانشین توسط امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف" -- "معرفی + جانشین + امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف"

"همراهی انگشتر سلیمان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف" -- "همراهی + انگشتر سلیمان + امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف"

از منابع جامع و تالیفات متأخرین کمتر بهره گرفته است

برای یافتن اصطلاحات معارف مهدوی و برقراری روابط معنایی بین آنها، از منابعی استفاده شد که بیشتر قدیمی و یا روایی بوده اند (مانند: الاحتجاج شیخ طبرسی، الاختصاص شیخ مفید، الارشاد شیخ مفید، اعلام الوری شیخ طبرسی، اقبال الاعمال سیدین طاوس، بحار الانوار علامه مجلسی، بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار، توحید المفضل،

حق‌الیقین شبر، الخرائج والجرائح قطب راوندی، دلائل الامامه ابن جریر طبری، علل الشرائع شیخ صدوق، الغیبه شیخ طوسی، فلاح السائل سید بن طاوس، الکافی کلینی، کتاب الغیبه نعمانی، کشف الغمه اربلی و... ولی از منابع متأخر و تحلیلی که توسط دانشمندان معاصر تألیف و دارای اصطلاحات بیشتر و مشهورترند، استفاده چندانی نشده است. به عنوان نمونه، از کتاب موسوعه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه تألیف شهید آیت الله سید محمد صدر، ۴ مجلد (جلد اول: تاریخ الغیبه الصغری، جلد دوم: تاریخ الغیبه الکبری، جلد سوم: تاریخ ما بعد الظهور، جلد چهارم: الیوم الموعود بین الفکر المادی و الدینی) بوده و همه آنها تحلیلی و استنباطی اند، هم چنین کتاب غیبه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه که از سوی مرکز الرساله منتشر شده و یا کتاب‌هایی که از شهید علامه مطهری، علامه جوادی آملی، آیت الله صافی گلپایگانی، آیت الله مکارم شیرازی و امثالهم منتشر شده اند، در این اصطلاح‌نامه دیده نمی‌شود.

بدین جهت، اصطلاح‌نامه فوق‌الذکر هم در ساختار اصطلاحات و هم در جامعیت آنها و هم در منابع اخذ اصطلاح، نیاز به بازنگری جدی دارد.

هستی‌شناسی (Ontology)

آنتولوژی یا هستی‌شناسی در اصل شاخه‌ای است از فلسفه که به مطالعه وجود، هستی و بودن می‌پردازد. دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی‌آید، تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب قادر گردد.

در گذشته، فلاسفه هستی‌شناس را بدین جهت حکمای طبیعی می‌گفتند که آنان دنیای خارج و بررسی ویژگی‌ها، خواص و عوارض مربوطه را در کارنامه خود داشتند. (دوخانی، ۱۳۹۲: ۴۱۳)

هستی‌شناسی به صورت سنتی بخشی از شاخه عمده فلسفه متافیزیک به حساب می‌آید که با پرسش‌های مربوط به چیستی موجودات، انواع، مقوله‌بندی، سلسله مراتب و زیرشاخه‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجودات سروکار دارد.

تعریف عام از هستی‌شناسی عبارت است از: تصریح رسمی روشن از چگونگی ارائه اشیاء، مفاهیم و دیگر ماهیاتی که وانمود می‌شود در برخی از حیطه‌های علاقه وجود دارند و روابطی که در میان آنها برقرار است. (هینز، ۱۳۸۵: ۷۲)

ولی بعدها، منحصر در فلسفه متافیزیک نمانده و در علوم دیگر نیز کاربرد پیدا کرد. هم اینک به عنوان دانش میان رشته‌ای شناخته می‌شود، که در علوم مختلف، از جمله فلسفه، علوم رایانه، کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، هوش مصنوعی، وب معنایی و غیره کاربرد فزاینده‌ای پیدا نموده است.

تیلور درباره سرایت هستی‌شناسی از فلسفه به علم اطلاعات گفت: در رشته فلسفه، اصطلاح لغت هستی‌شناسی سابقه طولانی مدت و قابل تأملی دارد که به معنای ارائه تفسیری سیستماتیک از هستی است. در برهه‌ای از زمان، در دهه اخیر این کلمه توسط جامعه اطلاع‌رسانان برای بیان عناصر زیربنایی به کار گرفته شد تا مشابهت دانش انسان‌ها و رایانه‌ها را میسر می‌سازد. (تیلور، ۱۳۸۱: ۲۱۲)

برخی برای تمایز بین دو گونه هستی‌شناسی، هستی‌شناسی از منظر فلسفه را «هستی‌شناسی» و هستی‌شناسی از منظر علوم اطلاعات و محاسبات را «هستان‌شناسی» نامیده‌اند (معمدی فروغی، ۱۳۹۵) ولی این دسته‌بندی چندان رواج پیدا نکرده و غالباً به هر دو گونه فوق‌الذکر، هستی‌شناسی گفته می‌شود.

هستی‌شناسی در علوم اطلاعات و محاسبات

در علوم اطلاعات و محاسبات، هستی‌شناسی نمایشی صوری از مجموعه‌ای از مفاهیم یک دامنه و روابط بین آنها است. شایان ذکر است، در علوم اطلاعات و محاسبات برای گسترش «وب معنایی» و کارایی بیشتر آن، نیاز به ساخت و ایجاد پایگاه «شناخت» است.

پایگاه شناخت در سایه پیشرفت و تحولات علوم اطلاعات، علوم مخابرات و ارتباطات، علوم رایانه و محاسبات رونقی تازه یافته و در حال گسترش در عرصه‌های دیگر علوم بشری است. (برگرفته از ویکی پدیا)

وب معنایی (Semantic web)، شیوه‌ای است برای ایجاد یک وب که در آن رایانه‌ها می‌توانند از شبکه‌ای از داده‌های منبع استفاده کرده، آنها را تعبیر، تحلیل و پردازش کرده و به کاربر ارائه نمایند. این امر ممکن است از بازیابی اسناد گرفته تا جمع‌بندی عناصر برنامه‌ای مختلف برای خلق یک نرم‌افزار کاربردی را دربرگیرد. (دوخانی، ۱۳۹۲: ۴۰۹)

هستی‌شناسی بین پرچسب‌ها یا اسناد وب معنایی و اشیای واقعی که اسناد مذکور آنها را تشریح می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کند. به همین جهت، هستی‌شناسی ستون

فقرات وب معنایی محسوب شده و اهمیت بالایی در وب معنایی دارد.
 به گفته دیوید هینز هستی‌شناسی دارای سه خصوصیت جهانی است:
 - واژگان کنترل شده فناپذیر؛
 - تفسیر بدون ابهام از رده‌ها و روابط واژه‌ای؛
 - روابط زیررده‌ای سلسله مراتبی شدید بین رده‌ها.

به گفته وی، هستی‌شناسی از شکل نوع خاصی از نظام رده‌بندی یا طبقه‌بندی تأثیرپذیر است. دامنه هستی‌شناسی‌ها از یک منبع واژگان کنترل شده، شروع می‌شود و به یک روش سازماندهی محتوا سوق داده می‌شود تا ظرفیت‌های ناوبری، گشت‌زنی و بازیابی را ارتقاء دهد. (برگرفته از: هینز، ۱۳۸۵: ۷۳)

برای ایجاد هستی‌شناسی، دوروش خودکار و دستی مرسوم است. در روش خودکار بیشتر از تکنیک‌های پردازش زبان طبیعی استفاده شده است. تاکنون روش خودکاری که هستی‌شناسی قابل قبولی را ارائه کند، به وجود نیامده است. بدین جهت برای ایجاد هستی‌شناسی از روش‌های دستی و نیمه خودکار استفاده می‌گردد. (برگرفته از: دوخانی، ۱۳۹۲: ۴۱۳)

به هر روی، هستی‌شناسی در علوم رایانه‌ای و وب معنایی، جلوه‌ای از مجموع مفاهیم و روابط روشن بین آنها در یک حوزه، یا یک موضوع است، که کاربران را با تمام داده‌های مربوط به آن آگاه و فضای گسترده‌ای از دانش را برایش فراهم می‌گرداند.
 شایان ذکر است، پیاده‌سازی هستی‌شناسی در حوزه خاص و یا در موضوع خاص، نیاز به زبان گرافیکی خاص در علوم رایانه‌ای دارد. یکی از زبان‌های رایج، نرم‌افزار پروتج (Portege) است. این نرم‌افزار، محیطی مناسب برای ویرایش و توسعه هستی‌شناسی فراهم می‌کند. در پروتج با تعیین کلاس‌ها، سلسله مراتب آنها و نمونه‌های عضوهریک، هستی‌شناسی را می‌توان بهتر توصیف کرد.

تفاوت هستی‌شناسی با رده‌بندی

در هستی‌شناسی، واژگان به نحوی آراسته می‌شوند که اولاً بیانگر مفاهیم، اشیاء و ارتباط بین آنها بوده و ثانیاً رسمی باشند؛ یعنی توسط ماشین قابل فهم باشند. اما رده‌بندی عبارت است از سیستمی که اشیاء یا موجودات در آن براساس خصوصیات و روابط طبیعی و ذاتی آنها در گروه‌هایی سازماندهی می‌شوند. به همین جهت، بین آنها

تنها رابطه عام و خاص (یا پدر و فرزند) برقرار است و از رابطه علت و معلول و یا سایر رابطه های دیگر صرف نظر می کند.

تفاوت هستی شناسی با اصطلاح نامه

در این که هستی شناسی و اصطلاح نامه، دو ابزار بنیادین مستقل و در عرض یکدیگر در ساختاردهی معلومات هستند، یا دو پدیده در طول یکدیگر و مکمل هم می باشند، اتفاق نظری بین متخصصان علم اطلاعات نیست. ولی بی تردید تفاوت هایی بین آن دو وجود دارد که از چشم تیزبینان اهل فن پنهان نیست.

در پژوهش نامه ای، تفاوت بین آن دو بدین گونه بیان شده: هستی شناسی ها به عنوان نظام های نوین سازماندهی دانش، دارای ویژگی هایی هستند که سبب افزایش کارآمدی بازیابی مفاهیم می گردد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

توصیف گرهای منحصر به فرد و معانی رسمی، هماهنگی درونی، میان گنش پذیری میان نظام های سازماندهی دانش مختلف، یکپارچه سازی وسیع اطلاعات، قابلیت استنتاج، حمایت از پردازش زبان طبیعی از طریق افزایش روابط و معانی، امکان درک پرسش جستجو با استفاده از پردازش زبان طبیعی و پردازش معنایی. در حالی که اصطلاح نامه ها با مشکلاتی مانند فقدان انتزاع مفهومی، پوشش معنایی محدود، ابهام در روابط، عدم هماهنگی میان مفاهیم با روابط مشابه و پردازش خودکار محدود به دلیل معانی مبهم رو به رو هستند. (صنعت جو، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

در توضیح و تکمیل گفتار فوق می توان تفاوت بین هستی شناسی و اصطلاح نامه را بدین گونه تبیین نمود:

اصطلاح نامه ها اگر چه به ارائه واژگان و روابط بین آنها برای درک مفهوم یک اصطلاح می پردازد، ولی فاقد مشخصه های کامل و صریح از مفاهیم هستند. در حالی که هستی شناسی به طور صریح و روشن دانش مفهومی را با استفاده از زبانی قراردادی بر اساس یک حوزه همراه با معانی دقیق آنها ارائه می کند.

در اصطلاح نامه ها روابط عام و خاص به طور دقیق تعریف نمی شود. به عنوان مثال، گاهی روابط مربوط به نوع و جنس به جای روابط کلی و جزئی به کار گرفته می شود و بالعکس. در صورتی که در برخی از اصطلاح نامه های دیگر این روابط به جای هم به کار گرفته می شود. در حالی که هستی شناسی به لحاظ ارائه روابط معنایی دقیق است و

ابهام و جا به جایی در آن راه ندارد.

اصطلاح نامه، سیاهه ای از واژگان است، که برای منابع موجود تهیه می گردد و بیشتر درباره مدارک موجود و برای استفاده در مورد نوع خاصی از مدارک است. در حالی که هستی شناسی به ارائه گستره وسیعی از واژگان یک حوزه می پردازد. علاوه بر این، در هستی شناسی به خاطر قواعد وضع شده، اعمال یک کنترل به راحتی انجام می گیرد ولی در اصطلاح نامه به خاطر پیچیدگی روابط، اعمال کنترل و جابجایی واژگان با صعوبت انجام می گیرد.

اصطلاح نامه ها برای کاربران انسانی قابل استفاده است، در حالی که هستی شناسی برای پردازش اطلاعات توسط انسان و ماشین کاربرد دارد. به هر روی، هستی شناسی ابر داده ای است که توان ایجاد یک شبکه مفهومی با تمام لوازم و ملزومات آن را دارا می باشد.

بخش دوم: چگونگی ایجاد شبکه مفهومی تخصصی مهدویت

با بررسی رویکردهای بنیادین ساختاردهی اطلاعات در هر دامنه یا هر موضوعی، روشن شد که رویکردهای رده بندی، سرعنوان های موضوعی و اصطلاح نامه نویسی می توانند در ایجاد شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی در حد محدود کمک هایی داشته باشند، ولی با توجه به حجم اطلاعات موجود و گستردگی معنایی و روابط مختلف بین آنها و تولید روزافزون چنین مطالبی در این حوزه مقدس، کافی به مقصود نمی باشند، نه به تنهایی و نه با کمک یکدیگر. بلکه تنها با ابزار ابر داده ای به نام هستی شناسی می توان به چنین مقصودی دست یافت و شبکه مفهومی مورد نظر را پدید آورد و تمام اطلاعات موجود در زمینه های گوناگون این حوزه و اطلاعات نوپدید را از طریق این ابزار الکترونیکی مرتبط و سازماندهی و مدیریت نمود.

البته لازم است، برای ایجاد هستی شناسی معارف مهدوی، به مانند هستی شناسی های دیگر، آن را به صورت فرمیک (Formic) تهیه کرد؛ یعنی به گونه ای که توسط سیستم های ماشینی قابل درک باشد. برای این منظور نرم افزارهای متعددی طراحی و تولید شده اند، که یکی از معروف ترین آنها، نرم افزار پروتج (Portege) است. این نرم افزار به متولیان و متصدیان امر امکان می دهد شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی را از طریق ابر داده هستی شناسی طراحی و ایجاد نمایند و با برقراری درست روابط

بین واژگان نمایه‌ای، محمول‌های مورد نظر را استنتاج کنند.

به این معنا، تمام موجوداتی که در حوزه معارف مهدوی وجود دارند و یا ممکن است به وجود آیند، مورد شناسایی، ذخیره و مطالعه قرار داده و آنها را براساس ویژگی‌هایشان دسته‌بندی (کلاس‌بندی) کنند و ارتباط بین آنها را برقرار و از هر ارتباطی یک نتیجه مطلوبی به دست آورند. در این صورت با استفاده از هستی‌شناسی، می‌توانند شبکه مفهومی معارف مهدوی را تهیه و تولید کنند.

مؤلفه‌های معارف مهدوی

برای ایجاد شبکه مفهومی معارف مهدوی براساس هستی‌شناسی، حداقل سه مؤلفه به شرح ذیل باید برای آن کارسازی شود:

موجودیت (Einti)

هر چیزی که در این حوزه وجود داشته و یا وجود خواهد داشت و قصد توصیف آن باشد، در این نرم‌افزار «موجودیت» نامیده می‌شود.

کلاس‌ها (CLASSES)

دسته‌بندی و طبقه‌بندی موجودات و اشتراک و افتراق آنها از یکدیگر براساس ویژگی‌های شان را کلاس می‌گویند.

خصایص (Properties)

ویژگی‌هایی که موجب برقراری ارتباط بین کلاس‌ها و یا بین موجودیت‌ها و یا بین موجودیت‌ها و کلاس‌ها می‌گردد، به آن خصایص گفته می‌شود. (برگرفته از: دوخانی، ۱۳۹۲: ۴۱۳)

خصایص و ویژگی‌هایی که موجب ارتباط و یا عدم ارتباط بین پدیده‌ها می‌گردد، عبارتند از: عام و خاص، مترادف و متباین، اثر و صاحب اثر، علت و معلول، ظرف و مظهر، فعل و فاعل و مفعول، عمل و عامل و معمول و... .

تیلور درباره ارتباطات در هستی‌شناسی گفت: از جمله ارتباطات نشان داده شده در هستی‌شناسی لغوی مترادف‌ها، اصطلاحات هم‌ارز، اصطلاحات کل به جزء، اصطلاحات مرتبط و متضادها هستند. (تیلور، ۱۳۸۱، ۲۱۳)

نمونه عملی

برای ترسیم یک نمونه عملی، واژه «مهدویت» به عنوان یک موجودیت اولی و اصلی در نظر گرفته می‌شود.

مرحله بعد، نوبت به کلاس بندی می‌رسد؛ به این معنا، در سیاست گذاری سازمانی باید مشخص شود که پدیده مهدویت با موجودیت‌های هم‌عرض و یا فراتراز خود نیز می‌خواهد به صورت شبکه‌ای ارتباط داشته باشد، یا خیر؟ اگر جواب مثبت باشد، در این صورت واژه مهدویت با مفهومی که از آن انتزاع می‌گردد، به عنوان یک کلاس در عرض کلاس‌های دیگر و یا در زیر کلاس بالاتر قرار می‌گیرد.

اما اگر شبکه مفهومی مورد نظر در خصوص مهدویت باشد، نه فراتراز آن و نه در عرض آن، در این صورت پدیده مهدویت یک ابرکلاس محسوب می‌گردد، که در ذیل آن کلاس‌های متعددی (sub classes) به وجود خواهند آمد و هر یک از آنها نیز زیر کلاس‌های دیگری خواهند داشت.

به عنوان مثال، می‌توان به اصطلاح «منجی‌گرایی» اشاره نمود که در شبکه مفهومی مهدویت، یکی از زیرکلاس‌های آن به شمار می‌آید که خودش دو یا چند زیرکلاس به شرح ذیل می‌تواند داشته باشد:

الف) در ادیان؛

ب) در اسلام.

هر یک از آن دو، می‌توانند زیرکلاسی برای خود داشته باشند.

ادیان:

بودائیت

زرتشتیت

مسیحیت

یهودیت

اسلام:

اهل سنت

شیعه

هم چنین خود زیرکلاس ها نیز می توانند برای خود کلاس های زیرین دیگری داشته باشند. مثلاً همین واژه «شیعه» به دو دسته از مذاهب کلامی و فقهی متعدد شیعه تقسیم می گردد: مذاهب موجود و مذاهب زوال یافته.

مذاهب موجود شیعه:

- شیعه اثنی عشریه؛

- شیعه اسماعیلیه؛

- شیعه زیدیه.

مذاهب زوال یافته:

- شیعه حنفیه؛

- شیعه افطحیه؛

برای تعیین و ایجاد زیرکلاس ها محدودیتی وجود ندارد.

شایسته است برای درک بیشتر کلاس ها، به بحث توصیف کلاس ها نیز اشاره شود. مراد از توصیف هر کلاس آن است، که مفهوم کلاس تبیین و تمایز آن با سایر کلاس های موازی در حد یک سطر، یا کمی بیشتر بیان گردد. اگر فرهنگ نامه ای برای معارف مهدوی تهیه و تولید گردد، در این مقام می تواند نقش بارزی داشته باشد.

توصیف هر کلاس، کمک شایانی در شفاف سازی آن ها و نحوه ارتباط با کلاس دیگر و سپس در مرحله استنتاج به جست و جوگر می نماید.

به عنوان مثال، در دو زیرکلاس پیش گفته؛ یعنی مذاهب موجود و مذاهب زوال یافته، می توان این توصیفات را به وجود آورد:

مذاهب موجود: مذاهب شیعه ای که در عصر حاضر نام و اثری از آنها باقی بوده و پیروانی برای آنها در جهان وجود دارد که خود را منتسب به آنها می نمایند.

مذاهب زوال یافته: مذاهب شیعه ای که در طول تاریخ تشیع، مدتی بین مردم بروز و ظهور داشته و پیروانی برای آنها موجود بود، ولی در عصر حاضر نام و اثری از آنها نیست و کسی خود را در جهان پیرو آنها نمی دانند.

مرحله سوم، نحوه ارتباط هر یک از موجودیت ها با موجودیت دیگر، یا کلاس های فوق با کلاس دیگر و یا ارتباط موجودیت ها با کلاس ها است.

اگر منجی گرایی را به عنوان یک کلاس فرض کردیم، اولاً باید رابطه آن با مهدویت که

اَبَرکلاس است، مشخص گردد. سپس رابطه آن با کلاس‌های موازی، مانند: نفی منجی روشن گردد. سپس با کلاس‌های زیرین، مثل ادیان و اسلام و همین‌طور کلاس‌های پایین‌تر، مثل شیعه امامیه و شیعه اسماعیلیه.

منظور این که اکثر واژگان نمایه‌ای در موضوع مهدویت می‌توانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند و ارتباط آنها روشن و صریح و شفاف باشد و هیچ‌گونه اغماض و اجمالی در آن مشاهده نگردد.

پس از برقراری رابطه‌ها نوبت به استنتاج می‌رسد. یعنی هر رابطه‌ای می‌توان منتج به نتیجه‌ای باشد. به عنوان مثال هنگامی که رابطه منجی‌گرایی با مسیحیت را برقرار می‌کنیم، نتیجه می‌گیریم که رابطه آن دوازده باب اثر و مؤثر است؛ یعنی مسیحیت نیز اعتقاد به ظهور منجی در آخرالزمان دارد.

گام‌های عملیاتی

اگر مؤلفه‌های فوق‌الذکر تحلیل و به صورت عملیاتی درآید، لاجرم گام‌های ذیل باید برداشته شود:

گام اول: تعیین دامنه و حوزه آنتولوژی. مراحل مختلف توسعه یک آنتولوژی، با تعریف دامنه و حوزه آن آغاز می‌گردد.

گام دوم: در نظر گرفتن مسئله استفاده مجدد از آنتولوژی‌ها. یعنی لحاظ کردن کاری که قبلاً توسط دیگران انجام شده و اعمال تغییرات اصلاحات و یا توسعه در منابع موجود جهت انطباق با دامنه و کاربرد خاص مورد نظرها.

گام سوم: شمارش واژه‌های مهم در آنتولوژی. تهیه لیستی از تمام واژه‌هایی که بنا است برای آن جمله‌ای ساخته شود و یا در یک کاربرد درباره آن توضیح داده شود.

گام چهارم: تعریف کلاس‌ها و سلسله مراتب کلاس‌ها. به سه روش ذیل: بالا به پایین. یعنی ابتدا مفاهیم عام در دامنه مشخص، سپس با اتخاذ زیرکلاس‌های خاص‌تر به آن توسعه داده می‌شود.

پایین به بالا. یعنی ابتدا کلاس‌هایی خاص مشخص، سپس برگ‌های سلسله مراتب کلاس‌ها معین و آن‌گاه در قالب عام گروه‌بندی می‌گردد.

ترکیبی. ترکیبی از روش بالا به پایین و پایین به بالا می‌باشد. رهیافت ترکیبی راه حل

ساده تر محسوب می شود؛ زیرا از لیستی که در گام سوم ایجاد شده، واژه‌هایی انتخاب می‌گردند که اشیاء مستقل را توصیف می‌کنند. این واژه‌ها و آنتولوژی، «کلاس» را مشخص کرده و نقاط لنگرگاه در سلسله مراتب کلاس‌ها را تشکیل می‌دهند. گام پنجم: تعریف ویژگی‌های کلاس و یا شکاف‌های توسعه‌پذیر (Slots) گام ششم: تعریف جنبه‌های شکاف‌های توسعه‌پذیر (Slots): این ویژگی تعداد مقادیری که يك slot می‌تواند داشته باشد را تعریف می‌کند.

مستندسازی

یکی از بحث‌هایی که در شبکه مفهومی مهدویت می‌تواند نقش بارزی ایفا کند، مستندسازی موجودیت‌ها و یا همان واژگان نمایه‌سازی است. برای مستندسازی موجودیت‌های هستی‌شناسی، شیوه‌های مختلفی وجود دارد، که کارآمدترین آن‌ها نمایه‌سازی موضوعی است و از بین شیوه‌های نمایه‌سازی موضوعی، نیز نمایه‌سازی موضوعی ترکیبی که از ترکیب دو یا چند موجودیت هستی‌شناسی تشکیل می‌گردد و به شکل چکیده‌نما در می‌آید، بهترین بازنمایی‌ها را به نمایش می‌گذارد. لازم به ذکر است، منظور از ترکیب موجودیت‌های هستی‌شناسی، ترکیب‌های غیرمنعطف و پیش‌همارا نیست، بلکه مراد ترکیبی است که هر موجودیت به تنهایی هویت خود را داشته و در ترکیب با چند موجودیت دیگر یک دانش جدیدی را افاده می‌نماید. در عین حال، هرگاه به تنهایی بازیابی گردد، همراه با نمایه‌های چکیده‌نما می‌باشد، که موجب ایصال الی المطلوب کاربر می‌گردد. رده‌بندی کولون (رانگاناتان) نیز مبتنی بر ترکیبی بودن موضوعات بود و بدین جهت در بین رویکردهای بنیادی ساختاردهی اطلاعات، این رویکرد می‌تواند کمک شایانی در مستندسازی و بازنمایی اطلاعات به ایجاد شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی بنماید.

نتیجه‌گیری

برای شبکه‌سازی مفهومی معارف و موضوعات مهدوی، در بدو امر به نظر می‌آید رویکردهای مرسوم سازماندهی و مدیریت اطلاعات، مانند رده‌بندی، سرعنوان‌های موضوعی و اصطلاح‌نامه کافی به مقصود باشند. ولی با امعان نظر در گستردگی اطلاعات

و بین رشته‌ای بودن موضوعات مهدوی از یک طرف و پیچیدگی روابط بین موجودیت‌های این حوزه، نمی‌توان اطمینان نمود که چنین رویکره‌هایی توان و ظرفیت آن را داشته باشند. بدین جهت باید به سمت رویکردی جامع‌تر و با ظرفیت‌تر رفت که مصداق فعلی آن، هستی‌شناسی است.

برای هستی‌شناسی نرم‌افزارهای کاربردی چندی وجود دارد، که کامل‌ترین و جامع‌ترین آنها نرم‌افزار پرتج (Portege) است. پرتج مؤلفه‌هایی دارد، که اگر به درستی رعایت شوند، امکان ایجاد شبکه مفهومی معارف و موضوعات مهدوی از طریق آن، دور از انتظار نیست.

گرچه می‌توان با هستی‌شناسی، چنین شبکه مفهومی مهم را ایجاد نمود، ولی اگر این شبکه از طریق نمایه‌سازی موضوعی ترکیبی مستندسازی گردد، به مراتب کار اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات آن سودمندتر خواهد شد.

منابع

- آوستین، درک و پیتردیل، راهنمای تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه یک‌زبانه، ترجمه عباس حری، تهران، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ویرایش دوم، ۱۳۶۵.
- ابرامی، هوشنگ، شناختی‌ازدانش‌شناسی، به کوشش رحمت‌الله فتاحی، تهران، نشر کتابدار، سوم، ۱۳۷۹.
- پوراحمد، علی‌اکبر؛ حسنی، محمدرضا، فهرست‌نویسی موضوعی: اصول و روش‌ها، ویراستار: رحمت‌الله فتاحی، تهران، نشر کتابدار، اول، ۱۳۸۷.
- تیلور، آرلین جی، سازماندهی اطلاعات، ترجمه محمدحسین دیانی، مشهد، کتابخانه رایانه‌ای، اول، ۱۳۸۱.
- دوخانی، فیروزه، چشم‌اندازی به نرم‌افزار پروتج، گفتمان علم و فناوری ۱(۷): ۴۰۷-۴۳۲، ۱۳۹۲.
- شریف، عاطفه؛ داور پناه، محمدرضا؛ صنعت جو، اعظم، «تحلیل و مقایسه فهرست سرعنوان‌های موضوعی فارسی با فهرست سرعنوان‌های موضوعی کنگره از منظر ویژگی‌های ساختارزبانی و شبکه معنایی»، پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۴(۱): ۴۷-۷۲، ۱۳۹۳.
- صنعت جو، اعظم؛ فتحیان، اکرم، «مقایسه کارآمدی اصطلاح‌نامه و هستی‌شناسی در بازیابی مفاهیم موضوعی (مطالعه موردی اصطلاح‌نامه اصفا)». پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱(۲)، ۱۳۵-۱۵۶، ۱۳۹۰.
- مارسلا، ریتا؛ مالت بای، آرتوی، آئینده رده‌بندی، ترجمه زهرا اباذری و فهیمه باب‌الحوائجی، تهران، چاپار، اول، ۱۳۸۶.
- معتمدی فروغی، محمدرضا، بررسی مفهوم هستان‌شناسی در وب معنایی و مقایسه هستان‌شناسی‌ها، مرجع دانش (civilica)، ۱۳۹۵.
- مقدم، محمدباقر، درآمدی بر رده‌بندی علوم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، اول، ۱۳۷۳.
- هینز، دیوید، ابرداده برای مدیریت و بازیابی اطلاعات، ترجمه علیرضا سعادت علیجانی و فاطمه ذاکری فرد، تهران، نشر چاپار، اول، ۱۳۸۵.